



مختصر زیستنامه رفیق ثناگل شهید

رفیق ثناگل شهید فرزند ریدی گل در سال ۱۳۳۷ خورشیدی در قریه چارباغ صفای ولسوالی سرخرو ولایت ننگرهار در یک خانواده متوسط حال به دنیا آمد. بعد از اكمال دوره تحصیل ابتداییه و متوسطه در ولایت ننگرهار، غرض ادامه تحصیلات عالی شامل پوهنچی زراعت پوهنتون کابل گردید.

رفیق ثناگل در سال ۱۳۵۶ خورشیدی افتخار عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را کسب کرده و در سال ۱۳۵۹ زمانی که توسعه تشکیل قوای مسلح به خاطر دفاع از حاکمیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی کشور به یک ضرورت مبرم و حیاتی مبدل گردیده بود، موصوف با وجود آن که در آن زمان محصل سال دوم پوهنتون کابل بود، به طور داوطلبانه از طریق کمیته حزبی پوهنتون کابل در کورسهای کوتاه مدت نظامی - سیاسی ثبت نام کرده، مصروف فراگیری مهارتهای نظامی گردیده، بعد از اتمام دوره آموزشی لازم به صفت افسر - کارمند سیاسی مشغول ایفای وظایف انقلابی در قوای مسلح جمهوری افغانستان (در یکی از قطعات قوای سرحدی در زون شرق) گردید.

رفیق ثناگل فرزند آن دلیرمردی (ریدی گل) بود که بعد از پیروزی انقلاب ثور ۱۳۵۷ خورشیدی منحيث انسان خیرخواه، ترقی پسند و مردم دوست در صف ایجادگران کمیته های دهقانان تهیدست قرار گرفت و به امر حزب دموکراتیک خلق افغانستان کمیته دهقانان محل زیست شان را ایجاد و به صفت معاون آن کمیته در قطار سایر

رفقایش هریک، «عطامحمد دهقان (رییس کمیته) و صفی الدین (معاون کمیته)» و دهها رفیق دیگرش به عزمِ بهبودی وضع معیشتِ دهقانانِ کشورش و به امید تشکیل بخشیدن به فعالیت‌های اجتماعی این قشر زحمتکش کشور فعالیت مینمودند.

در مقابل، نیروهای وابسته به اربابانِ تنگ نظر و فیودالانِ مستبد که در ایجاد کمیته های دهقانان و خصوصاً انفاذ فرامینِ وقت شورای انقلابی منافع شان را مواجه با خطر میدیدند و از جانبی از حساسیتهای قومی- مذهبی و سطح نازل درک انسان زحمتکش جامعه ما نفع میبردند، دست به ایجاد آشوبگری زده و به کمک و همیاری ارتجاع شعوری و دشمنان تاریخی رفاه مردم ما صف آرای نظامی - سیاسی کرده در اخلال و وخیم ساختن وضع زنده گی مردم ما دست به کار شدند.

یکی از اولین قربانیانی که از گزند این توطئه ها و شرارتها جان به سلامت نبردند و قربانی اهداف شریفانه و انسانی شان شدند، شهید ریدی گل (پدر شهید ثناگل)، شهید عطامحمد دهقان و شهید صفی الدین میباشند. البته (در ماه دلو سال ۱۳۵۸ خورشیدی به شهادت رسیدند). **دروود بر روان پاک رفقای شهیدما!!!**

شهادت پدر و تعهد انقلابی که رفیق ثناگل به آن به مثابه انگیزه هایی در انتخاب مسلک جدید خود مینگریست، عزم او را در راه رزم و پیکارش آهنین تر ساخته بود. رفیق ثناگل نظر به ژرف اندیشی که داشت، درک نموده بود که اهمیتِ حراست و دفاع از سرحدات کشورش در مقابل تجاوز و مداخله حکومت نظامی - ارتجاعی پاکستان که به لانه و آشیانه مخرب ترین و مخوف ترین نیروهای جهل و بدبختی مبدل شده بود و مستقیماً تحت حمایت سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و ارتجاع منطقه یی عمل میکردند و بیشرمانه راهها و وسایل بربادی کشور، مردم زحمتکش و حاکمیت نوپای دموکراتیک افغانستان را میجستند، امر حیاتی بوده و رسالت فرد فرد اعضای پُرافتخار حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همه منسوبان قهرمان قوای مسلح جمهوری افغانستان میباشد.

با درک چنین و قهرمانی حماسه آفرین بود که رفیق ثناگل از آوان وظیفه داریش الی هشت سال را به صفت کارمند سیاسی و افسر متعهد در خط اول دفاع از سرزمین و مردمش در ترکیب تولی، کندک و... در مربوطات مختلف قوت‌های سرحدی قوای مسلح در کنار سربازان، افسران و جنرالانِ هم‌رزمش بدون هرنوع خسته گی پذیری و با مورال عالی انقلابی و روحیه صادقانه عشق به انسان و دادن آرامش به خواب و کار و روزگار

همنوعانش، خواب، آرامش و روزگار شیرین زنده گی خود را وقف کرد، رزمید و حتی چندبار تنش سپر شده و زخم برداشت، اما تسلیم شب پرستان سیه دل نشد.

رفیق ثناگل یکسال قبل از تجاوز مستقیم نیروهای نظامی پاکستان و همدستان اجیر جهادی شان به زون شرق کشور ما، به صفت کارکن سیاسی کندک قومی ولسوالی سُرخرود ولایت ننگرهار که یکی از جزواتمهای فرقه «۱۱» ننگرهار بود مصروف ایفای وظیفه شد.

بعد از آغاز جنگ مشهور جلال آباد که اولین شعله های آن در ماه دلو ۱۳۶۷ خورشیدی بلند گردید و نمایانگر حماسه آفرینیهای قهرمانان مدافع کشور و شرمساری تاریخی اجیران و مزدوران ارتجاع در آن طرف جبهه و به خصوص بعد از شکست فاحش شان بود، رفیق ثناگل مانند هزاران فرزند صدیق و جانباز کشورش، در حالی که در همان روزهای آغازین تجاوز مصروف احداث نقطه های تدافعی (پُسته ها) و استحکامهای نظامی برای همسنگرانش بود، به طور ناجوانمردانه از جانب عمال ارتجاع و اجنتهای سیه روی «آی-اس-آی» که توانسته بودند در وجود عده یی از منسوبان ارگانهای قوای مسلح و امنیت دولتی زون شرق نفوذ نمایند، به شهادت میرسد.

با شهادت رفیق گلگون کفن ما حزب، مردم و جبهه شرق کشور بهترین یار مبارز و صدیقترین فرزند انقلابی خود را که تمام عمر عزیزش را وقف دفاع از منافع محرومترین انسانهای سرزمینش نموده و برای نجات آنها از جهل و تیره روزی شعار داده بود از دست داد؛- اما خاطره اش جاودانه ثبت دفتر وزین جانبازان جنبش چپ کشور ما بوده، سرمشق درخشانی برای ادامه پیکار روشنی بر ضد تاریکیهای دلگیر حاکم بر فضای سرزمین ما خواهد بود.

رفیق ثناگل! روانت شاد و خاطره ات جاودان باد!!!

لعنت ابدی بر عمال اجیر و مزدوران جنایتکار اردوی سیه روی ارتجاع در همه

اشکال آن!!!

هرگز از مرگ نه‌راسیدم،
اگر چه دستانش از ابتدال شکننده تر بود.
هراس من، باری، همه از مُردن در سرزمینِ نیست،
که مُزد گورکن،
از آزادی آدمی،
افزون تر باشد.

۹ جولای ۲۰۰۶

از همهٔ رفقا، همکاران، هم‌زمان، دوستان، اعضای فامیل و سایر هموطنان و کسانی که از هر نقطهٔ نظر با رفیقِ ثنا گل آشنایی، شناخت و خاطره‌یی از آن دارند، تقاضا می‌گردد تا به منظورِ ارایهٔ مفصلترِ معلومات و شناخت بهتر و بیشتر از رفیقِ شهید یادداشتها، نامه‌ها، خاطره‌ها و پیامهای شان را به ما بفرستند.

www.ayenda.org